جدی‌ترین خلأ بانوان فقدان بسترهای استاندارد کنشگری اجتماعی است

عاطفه خادمی، دکتری سیاستگذاری فرهنگی، فعال حوزه حکمرانی، فرهنگ و بانوان:

«وَنُرِيدُ أَن نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

اینجا حسینیه امام خمینی (ره) مأمن بانوان آزادی‌خواه جهان است و ما جمعی از بانوان در گستره‌ای به جغرافیای ایران و مکتبی به عظمت اسلام خدمتتان رسیده‌ایم تا فصل جدیدی از حرکت روبه‌رشد برای تغییرات اساسی در این کشور را پیشرانی کنیم. اکنون و در روزهای ابتدایی گام دوم انقلاب، فرصت مناسبی است برای بازخوانی و ارزیابی بیش از چهار دهه عملکرد جمهوری اسلامی در موضوع زنان و خانواده، تا از این مجرا امکان ترسیم تصویر مطلوب «وضعیت زنان در آینده تمدنی ایران اسلامی» فراهم آید. عرایض بنده با رویکرد حل بنیادین و ریشه‌ای مسائل بانوان، متمرکز بر ساخت حکمرورایی به‌صورت عام و عرصه فرهنگ به صورت خاص محترمتان ارائه‌می گردد؛ چراکه ساحت حکمرورایی معطوف‌به‌نظام‌اداره کشور در مسیر حرکت به سمت اهداف و چشم‌اندازها است و عرصه فرهنگ روح حاکم بر این حرکت. امانسبت میان حکمرورایی جمهوری اسلامی و موضوع بانوان روایت ناگفته‌ای است که این سال‌ها کمتر به آن توجه شده است. مفهوم الگوی سوم یکی از جلوه‌های تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی است، الگویی که در سه بعد عینیت می‌یابد:

بعد اول سلوک فردی با رویکرد توحیدی و عرفانی

بعد دوم ایفای نقش همسری و مادری در بستر خانواده

و بعد سوم کنشگری اجتماعی ناظر به حل مساله

بنابود انقلاب اسلامی ایران با حکمرورایی متعالی مردم‌محور و به‌پشتوانه سرمایه‌های بی‌بدیل خود در تاریخ اسلام و ایران، ریل‌گذاری استاندارد تربیت بانوانی منطبق بر الگوی سوم، آن هم به نحو استثنا، بلکه به نحو قاعده را محقق نماید.

حال آن که تجربه تاریخی تعیین‌یافته از الگوی سوم در بستر شکل‌گیری انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، در دوره به اصطلاح سازندگی در ذیل رویکردهای توسعه‌محور تصویر مطلوب از زن مسلمان را تغییر داد. از دهه هفتاد به بعد توصیف مطلوب از زن مسلمان، بانویی الزاما تحصیل کرده شاغل توسعه‌گرای منفعل به جهت ارزشی تصویر شد. به تدریج ایده زن کارمند در بخش دولتی و کارگر در بخش خصوصی به‌عنوان پارادایم مطلوب زن ایده‌آل در ساختارها متولد شد و الگوی سوم خانواده‌محور در فضای نظر و ذهن باقی ماند.

اکنون پس از ۳۰ سال تجربه این مدل از اداره کشور، می‌توان به بخش کوچکی از پیامدهای آن اشاره کرد:

-فقدان صورت‌بندی نظری و تولید نظریه سیاستی انقلاب اسلامی در حوزه زنان

-عدم تولید فقه معیار در مواجهه با نظام مسائل بانوان

-نگاه تک‌بعدی دانشگاه و عدم مواجهه سیستمی نهاد علم در موضوعات مرتبط با حوزه زنان، خانواده، جنسیت و...

-استیلای مردان در تقسیم امکانات و فرصت‌ها به حاشیه‌راندن بانوان

-طراحی مردانه محیط‌های کاری و عدم توجه به شرایط و نیازها و الزامات کنشگری اجتماعی بانوان

-فقدان ایده و اراده برای فعال‌سازی ظرفیت بانوان در ساحت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کلان

-حذف تدریجی بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت جامعه بانوان از چرخه حکمرانی

-عدم باور متولیان به مرجع‌سازی و تربیت رهبران اجتماعی از جنس بانوان برای جامعه بانوان

-سردرگمی بانوان دغدغه‌مند و توانمند در انتخاب اولویت‌ها و عرصه‌های فعالیت و کنشگری

به گمان حقیر تنها ایده محور یعنی شکل‌گیری نهاد فراقوه‌ای در حوزه بانوان نیز با توجه به سابقه عملکرد نظام اداره کشور، نمی‌تواند تمام نیازهای جامعه بانوان را در واقعیت میدان برطرف نماید، تجربه این ۴۰ سال ثابت کرده است که نهادسازی در داخل حاکمیت برای حل مسائل بانوان همواره نتیجه عکس داده است.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که تنها مسیر، پرداخت مبنایی (و نه بنایی) به حل مساله است.

فلذا راهحل اساسی و نقطه اهرمی برای مداخله، طراحی و بازسازی انقلابی ساختار اداره کشور، برای ریل‌گذاری صحیح حرکت انقلاب در افق ۵۰ سال ثبات، با هدف پیشرفت همه‌جانبه جامعه بانوان در چارچوب عدالت و سلامت خواهد بود.

به قول آلبر ژان مسئول، «باید زد زیر میز!»

راه‌حل چیست؟

بررسی‌های کارشناسانه و مطالعه تجربیات کشورهای پیشرفته و همچنین مطالعه الگوهای موفق بومی ساخت آنچه در سال‌های اخیر در توسعه زیست‌بوم علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان کشور، ستاد توسعه نانو و همچنین توسعه جامعه اندیشگاهی رخ داده است، نشان می‌دهد ایده هوشمندانه و زمان مناسب حلقه‌های مبانی که توسط خضرتان در همین حسینیه مطرح شده، تنها راه باز نمودن گره‌های گشوده‌نشده است. طرح این ایده در اولین سال از گام دوم انقلاب و در مرحله دولت‌سازی از مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، این پیام را دارد که خضرتعالی با شناخت عمیق و دقیق نسبت به نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های ساختاری، نظام اداره کشور را چشم‌انداز انقلاب می‌دانید و بر همین اساس حکیمانه و شجاعانه کلان پروژه بازسازی انقلابی نظام اداره کشور و مهندسی بازگشت سرمایه‌ها و ظرفیت‌های تخصصی مردمی به عرصه حکمرانی و ایجاد حرکت عمومی برای حل مسائل کشور را کلید زده‌اید. لذا خواهشمندیم که ما حاضران در این جمع و تمام دختران و مادران این سرزمین را سربازان پایه کار خود در راه این مجاهدت عظیم بدانید و ترسیم ماموریت و تقسیم کار نمایید.

همچنین برداشت ما از ایده حلقه‌های مبانی این است که طبق نظر خضرتعالی، حاکمیت موظف است امکان خلق نهادهای مردمی تخصصی واسط میان دستگاه‌های اجرایی و کنشگران میدانی را فراهم کرده و ابتدا تا دو یک بازه ۳ تا ۵ ساله با سرمایه‌گذاری توسعه‌ای، امکان رشد در یک محیط رقابتی را برای آنها فراهم آورد. سپس مجموعه‌های ایجادشده را به صورت تخصصی ارزیابی و رتبه‌بندی کرده و به میزان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالفعل این مجموعه‌ها، امکانات و اختیارات حاکمیتی خویش را در حل مساله به ایشان تفویض و تنفیذ نموده و خود از جایگاه ستادی به تسهیل‌گری، تنظیم‌گری، هدایت و راهبری آنان بپردازد. همچنین ضروری است امکانات حمایت و پشتیبانی من جمله تامین مالی پایدار از محل منابع موقوفات، مسئولیت اجتماعی صنایع متوسط و بزرگ، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی و... نیز در این راستا فعال گردد. امکان تحقق این ایده در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است و مناسب است به تدریج دیگر اسناد و قوانین، بازنگری شده و به آن ملحق گردد.

اما ماموریت و کارکرد حلقه‌های مبانی چیست؟

به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین وظیفه و ماموریت این نهادهای واسط یا به تعبیر بهتر همان حلقه‌های مبانی، توسعه زیست‌بوم کنشگری بانوان به‌منظور ایجاد حرکت عمومی در حل مسائل کشور به‌خصوص مسائل حوزه زنان خواهد بود.

حقیر با همین رویکرد، ایده‌ای عملیاتی را مختصرا خدمت‌تان عنوان می‌نمایم و نظر صاحب‌نظران را به آن جلب می‌نمایم: ایده توسعه زیست بوم‌های تخصصی و بومی در حوزه بانوان در قامت حلقه‌های مبانی.

جدی‌ترین و اساسی‌ترین خلا جامعه بانوان، نداشتن بسترهای استاندارد کنشگری اجتماعی منطبق با فقه معیار، ارزش‌های ایرانی اسلامی، مقتضیات جنسیتی و شرایط اقلیمی، فرهنگی و جغرافیایی است. بی‌توجهی به تنوع جامعه بانوان در محور تنوع‌های فرهنگی، غفلت تاریخی ما طی سال‌های گذشته بوده است و سال‌هاست روش نسخه‌پیچی از مرکز و ابلاغ آن بر کل کشور از دستور کار داریم. برای نظام اداره کشور در هنگامه تصمیم‌گیری و در حوزه برنامه‌ریزی، ایده‌پردازی و حل مساله تفاوت معناداری میان بانوان قابل‌های مختلف وجود ندارد و این آسیبی جدی در این حوزه است.

اما زیست‌بوم‌های تخصصی، بستری جامع و کامل متشکل از تمامی ابزارها و امکانات برای رفع نیازها و تسهیل‌گری و جهت‌دهی به فعالیت‌ها و اقدامات، به‌منظور رشد عقلانیت و خودورزی عموم جامعه بانوان برای ایفای نقش رهبری تغییر در عرصه‌های مختلف انقلاب است.

شکل‌گیری زیست‌بوم‌های تخصصی بانوان به‌عنوان حلقه‌های مبانی، حوزه بانوان را از سیطره رویکردهای سیاست‌زده، متحجرگونه و تجددگرا نجات می‌دهد و امکان کنشگری حقیقی پایدار را در یک فضای بی‌بدیل بر مبنای ارکان گفتمانی الگوی سوم طرح‌ریزی می‌کند. همچنین با استفاده از رویکردهای مشارکتی در حل مساله مبتنی بر چهارچوب نظری نوآوری باز و جمع‌سپاری، و بهره‌مندی از ظرفیت خلاقیت و ابتکار جامعه زنان، نه‌تنها مسائل بانوان به‌نانوان واگذار می‌شود، بلکه ظرفیت بانوان در خدمت حل دقیق مسائل انقلاب نیز فعال می‌شود. در جمع بندی نهایی عرضه می‌دارم که حضرت آقا! در شرایط کنونی و با عنایت به هجمه سنگین دشمن برای دیدگردن هویت حقیقی زن مسلمان، سرباران شما در عرصه فرهنگ، این حوزه را آماده‌ترین و مساعدترین بخش از اجزای کشور برای پیاده‌سازی این الگو می‌دانند و آمادگی کامل خود برای اجرای طرح توسعه‌ای با هدف بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ کشور مبتنی بر پارادایم حلقه‌های مبانی، تحت حمایت‌های پدرانه حضرتعالی را اعلام می‌دارند. در همین راستا طرحی با عقبه بیش از ۱۰ سال مطالعات تخصصی و همراهی شبکه‌ای از کنشگران حرفه‌ای عرصه فرهنگ، هنر و رسانه به‌منظور طراحی زیرساخت برای فرآوری معنا و مفهوم و ایجاد زنجیره ارزش معنا از گزاره‌های فلسفی تا محصولات فرهنگی در بستر زیست‌بوم تخصصی عرضه‌گری برای بانوان تقدیم محضر حضرتعالی می‌شود. متعهد می‌شویم که با اجرای درست و کامل این برنامه، ان‌شاءالله خط‌شکنی کنیم و امکان تغییر ریل نظام اداره کشور به ساختار حکمرانی مردم‌پایه در حوزه زنان را فراهم آوریم و برای سایر عرصه‌ها نیز نمونه الگویی موفق خلق کنیم.

امید آنکه نظرات و توصیه‌های حکیمانه‌تان، راهگشای گره‌های ذهنی و پشتیبانی پدرانه حضرت‌تان گره‌گشای موانع میدانی مجاهدان مسیر حق باشد. در انتها از محضرتان مطالبه و درخواست کوچکی دارم که برای حقیر و آرزویی که در دل دارم دعای ویژه بفرمایید.

بیمارستان‌های خاص زنان راه‌اندازی شود

شهرزاد ساده مدرس، استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و متخصص زنان:

با توجه به این که ما درحال حاضر پزشکان زن به‌وفور در این چندسال تربیت کرده‌ایم و متخصصان بسیاری در حوزه‌های مختلف آن داریم و لزوم و ضرورت حضور در بیمارستان‌های زنان که خدمتی به مردم داشته باشند نیز حس می‌شود، اما همچنان به این مساله جدی نگاه نشده است. امیدواریم ضمن اینکه جوانی جمعیت اتفاق می‌افتد و نگاهی به بخش زنان و بانوان و مادران می‌شود، به بیمارستان‌های اختصاصی زنان نیز نگاهی شود تا این پروژه رقم بخورد و ما بیمارستان‌های خاص زنان داشته باشیم. مشکلات این حوزه در عدم برنامه‌ریزی خلاصه می‌شود. غیر از بحث وزارت بهداشت باید مسئولان دیگر در قسمت‌های دیگر بسیج شوند و تنها موضوع به یک وزارتخانه نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

بانوان سخنران در محضر رهبر انقلاب چه گفتند؟

دغدغه دختران ایران

رهبر معظم انقلاب، چهارشنبه ۱۴ دی‌ماه میزبان جمعی از زنان فرهیخته و فعال کشور بودند. در ابتدای این دیدار ۷ نفر از شرکت‌کنندگان فرصت طرح مطالب و نکات خود را پیدا کردند. عاطفه خادمی پژوهشگر و عضو شورای فرهنگی و اجتماعی کشور، پریچهر جنتی نویسنده و خانه‌دار، مریم نقاشان حقوقدان فعال در محاکم قضایی آلمان، مهدیه سادات محور برنده جوایز ملی و بین‌المللی سینمای مستند، شهرزاد زاده مدرس استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نگین فراهانی کنشگر حوزه دختران نوجوان، سارا طالبی دکتری علوم ارتباطات و طلبه سطح چهار حوزه علمیه نفراتی بودند که به نکات خود در زمینه‌های نقد حقوق بشر غربی در حوزه زنان، سلامت زنان، نقش زنان در عرصه سینما و هویت بانوی طلبه، توسعه تعاونی‌های زنانه، اصلاح نگاه به فرهنگ خانه‌داری در دستگاه‌های مختلف به‌ویژه نظام آموزشی کشور، ارائه تصویر روشن از زن ایرانی به غرب، لزوم به کارگیری مطلوب زنان موفق در سطوح مدیریتی کشور، ضرورت حضور زنان فرهیخته در شوراهای عالی و نهادهای مرجع تصمیم‌ساز، ضرورت تبیین مزیت نسبی زن تراز جمهوری اسلامی، اصلاح بازنمایی زنان در تولیدات رسانه‌ای پرداختند. مشروح صحبت‌های مطرح‌شده شش نفر از سخنرانان را به همراه گفت‌وگویی با مجری این دیدار در ادامه می‌خوانید.

برخی اتفاقات اخیر ناشی از کم‌کاری در ارائه الگوی جذاب زن انقلابی است

سارا طالبی
طلبه سطح چهار حوزه رفیعه‌المصطفی و دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحیم

و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناکم ماء غدقا

مطابق بیانات رهبر عزیز انقلاب، ایده ما ایجاد نظام انقلابی است که در عین دارابودن ویژگی‌های نظام‌بخش، حاوی آرمان‌ها نیز باشند. الحمدلله این نظام انقلابی کنار همه خارهای مسیرخود، تا نقطه خوبی جلو آمده است. در راستای دغدغه شریف نظام انقلابی عرض می‌کنم، حضرت آقا شاهدیم که در روال سیاستگذاری ساختارهای رسمی، نوعی از آرمان‌زدایی، نرمالیزه کردن و هویت‌زدایی و انفعال، به دلایل مختلف محقق می‌شود که بحران هویت را در اقشار متنوع رقم می‌زند و منجر به تنزل از آرمان‌های بلند حیات طیبه جهادی می‌شود. در امتداد همان نگرش نظام‌ساز انقلابی، ما با مقوله مبارک و هویت‌بخش الگوی سوم، آشنا می‌شویم. همان الگویی که تبیین درست و تحقق آن دوای خیلی دردهای جامعه زنان بود و خلأ تحقق آن، بحران هویت زنان را در جریانات اخیر نشان می‌داد، اکنون نیاز است مطالعه کنیم، مجموعه‌های موجود در تبیین، گفتمان‌سازی، امتدادیابی و اجرای الگوی سوم، چه کرده‌اند؟ آیا عدم تبیین الگوی سوم، منجر نشده زنان جامعه از نگرش‌های سنتی به دیدگاه‌های دلفریب غربی پناه ببرند؟

در مقام یک طلبه عرض می‌کنم حضرت آقا، که مباحثات ما حاکی است که تنشست مدل شرقی هنوز در اندیشمندان، مدیران و موثران حاکم است که شاید به این مطلب آگاهی هم نداشته باشند و تغییر عادات ذهنی آنها، استمرار تحقیق و تولید مبانی فقهی، فلسفی، تفسیری الگوی سوم، ایجاد نظریه اجتماعی، گفتمان‌سازی، مطالبه و در ادامه ایجاد شبکه‌های حلقه‌های میانی منجر به نهضت بانوان بر این مبنا را می‌طلبد. ما نیازمند جذاب زن انقلابی است. اگر این ظرفیت نهفته آماده به فعلیت آزاد شود بهره‌مندی از نقش تمدنی بانوان به‌عنوان مادیان باور، به‌زن انقلابی، با تکیه به‌روایت تجربه‌های پیشرفت، تذکر به سنت‌های الهی، یادآوری ظرفیت‌های بومی و تشویق بر استقامت و پایداری امت تاریخ‌ساز ایران و ترسیم افق‌های شوق‌انگیز پیشرفت بارور خواهد شد.

پیشنهاد برای طلاب:

ایجاد و تقویت شبکه‌ای از حلقه‌های مبانی و هسته‌های مردمی طلاب خانم، به‌عنوان موفقیتی برای حل اتصال اندیشه مبنایی با عمل و تحول اجتماعی، برای دنبال کردن اهداف گام دوم، خصوصا امیدآفرینی به‌عنوان مأموریت محوری این گام.

دیگری است که زنان را از هویت تمدنی خود دور کرده و به اقتضائات یک زندگی معمولی مشغول کرده است.

امر دیگری که به اندازه اصلاح سیاست‌ها و تولید مبانی نظری اهمیت دارد و باید به موازات آنها دنبال شده، و حتی می‌تواند راهگشای مسیر آنها باشد، استخراج ایده‌ها و الگوهای عملی مندرج در تجربه‌های نقش‌آفرینی تمدنی زنان مومن و انقلابی، در گام اول انقلاب است. آسیب‌های فرهنگ عمومی و حتی نخبگانی جامعه در نگرش به زن، و حتی زن مومن و انقلابی، چالش‌های بسیار مهم آسیب‌زننده به هویت زن است. حضرت آقا، وضعیت زن در جامعه ما را تا اندازه زیادی می‌توان متناسب با تقاضای مردان جامعه از آنها ارزیابی کرد. مردانی که در جایگاه پدر، همسر، استاد، کارفرما و... آرمان‌ها و الگوهای رفتاری و فکری زنان را چهارچوب می‌دهند. لذا غیر از جریان‌های غیرمتدین غربزده و فمنیستی بسیاری از جریان‌های متدین همچنان در عمق اندیشه خود به الگوی زن سنتی باور دارند و پیروی از آن را مایه سعادتمندی زن دانسته و در ورای بعضی شعارهای ظاهری، ولو ناداننسته همان الگوی شرقی منفعل را مطالبه می‌کنند. گسترش فرهنگ مطلوب بودن «یک زندگی بی‌دغدغه»، حتی برای قشر متدین هم بی‌اثر نبوده و آنها را نیز موید «بی‌دغدغه بودن» بانوان کرده است و التزام عملی به واجب الهی حفظ نظام و عمل به جاهدوا فی الله حق جهاده را که جنسیت‌بردار نیست، در دوگانه‌ای با زنانگی، مادری و خانواده‌محوری تعریف می‌کند. مدنظر ما کسب مدرک یا شغل الزاما نیست، بلکه حضور تاثیرگذار و تصمیم‌ساز در مسائل متنوع مهم نظام است.

این نگرش، حیات جهادی که به فضل الهی، حقیر در عرصه زندگی خانوادگی بارها آثار مثبت تربیتی‌اش را در فرزندانم دیده‌ام و در بسیاری بانوان وطن، محدود کرده است. در نبود یک نظریه جذاب برای هویت زنان، بسیاری از نسل جوان به مدل‌های آماده، فریبنده و گفتمان حاکم سبک زن غربی روی آورده و از چاله زن شرقی به چاه زن غربی متوسل شده و بخشی از کشف حجاب‌های اخیر ناشی از همین بحران هویتی و کم‌کاری در ارائه الگوی جذاب زن انقلابی است. اگر این ظرفیت نهفته آماده به فعلیت آزاد شود بهره‌مندی از نقش تمدنی بانوان به‌عنوان مادیان باور، به‌زن انقلابی، با تکیه به‌روایت تجربه‌های پیشرفت، تذکر به سنت‌های الهی، یادآوری ظرفیت‌های بومی و تشویق بر استقامت و پایداری امت تاریخ‌ساز ایران و ترسیم افق‌های شوق‌انگیز پیشرفت بارور خواهد شد. یکی از این اقشار فرهیخته بانوان طلبه هستند که اولا در رشته‌های تخصصی می‌توانند حامی شکل‌گیری عقلانیت و نظریه اجتماعی الگوی سوم باشند و ثرثانی به شکل‌گیری حلقه‌های میانی و هسته‌های مقاومت زنان ذیل مکتب امام اقدام کنند. بانوان فرهیخته من جمله طلاب به الگوی مشارکت اجتماعی فراگیرتر نیاز دارند و موانعی که هست از ظرفیت حقیقی آنها استفاده نمی‌شود. ما در همین جریانات اخیر با وجود انواع موانع فکری و ساختاری تبلیغ در بسترهایی مثل مدارس و دانشگاه‌ها شاهد موفقیت بانوان طلبه مبلغ بودیم. این در شرایطی است که پس از تاکیدات مکرر حضرت‌عالی بر نقش تبلیغی بانوان طلبه هنوز به‌صورت عملی مجوزی برای رشته‌های نوینی مانند تبلیغ و بهره‌گیری از دانش‌های نوین ارتباطات در حوزه صادر نشده است. طلاب خواهر در بسیاری عرصه‌ها نقش‌آفرینی دارند که همان موانع هویتی مانع روایت شدن و گستره اثرگذاری دادن به آنها شده است. اندیشه‌های شرقی بعضا در تعریف هویت بانوی طلبه هم موثر بوده و لزوم بازتعریف هویت بانوی طلبه با عنایت به فقه اقامه دین و خروج از انفعال را می‌طلبد. البته تفکر فمنیستی غربزده نیز تهدید جدی‌تری برای زنان هست اما با یافتن معیار و شاخص در صراط مستقیم زن انقلابی بودن، پیچیدگی و هزینه‌هایی دارد که کمتر کسی برای رفع آن می‌تواند اقدام متقن کند. بانوی طلبه، سردمدار طرح‌بندی نظری و عملی الگوی سوم و اقامه آن در عرصه‌های خانواده، محله، آسیب اجتماعی، رسانه، مدرسه و دانشگاه بوده و حوزه علمیه خواهران برای تحقق این هدف مهم با شتاب بیشتری باید متحول شود. پیشنهاد برای تقویت هویت تمدنی بانوان، بهره‌مندی از نقش تمدنی بانوان ایران اسلامی به‌عنوان، پیشران و منادیان باور و شوق به «رویای پیشرفت ایرانی اسلامی»، باور و شوقی که با تکیه به‌روایت تجارب پیشرفت، تذکر به سنت‌های الهی، یادآوری ظرفیت‌های بومی و تشویق بر استقامت و پایداری امت تاریخ‌ساز ایران و ترسیم افق‌های شوق‌انگیز پیشرفت بارور خواهد شد.

ساختارهای تشریفاتی راه‌حلی برای کنارگذاشتن زنان

مهدیه سادات محور
مدیر خانه هنری رسانه‌ای دیما- کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران:

سلام‌علیکم

حضرت‌آقا! من نماینده آن گروه از زنان فعال رسانه‌ای هستم که در سال ۹۵ در نشست با خانواده رسانه‌ای سازمان اوج، در نیمه‌ماهی، سرلغام‌ران از آقایان حاضر در جمع گرفتید. نه اینکه آن زنان دغدغه فعالیت رسانه‌ای نداشتیم اما اندک بروز هویت امروزمان را مدیون همان تلنگر حضرتعالی می‌بینیم بر لزوم حضور زنان در رسانه هستیم. و امروز با کسب اجازه از شما، دختران کوچک‌تان از اهالی رسانه، یک مادر زنان آموخته حضرتعالی‌ست، که توفیق صحبت با شما را پیدا کرده می‌خواهد از سهم منظومه فرهنگی و رسانه‌ای زنان و مادران، مطالبی را با پدر دلسوزش به اشتراک بگذارد. حضرت‌تان در نشست‌های راهبردی در سال ۹۰ که سرشار از سرزمین‌های هر حوزه بود به نسل ما امیدوار بودید و فرمودید: امروز بحمدالله دختران جوانی که در آینده نه‌چندان دور به مقامات عالی‌علمی، فقهی و فلسفی می‌رسند، بسیارند. اینها افتخار انقلاب اسلامی هستند و پیشرفت زنی یعنی این. سؤال حقیر این است که چرا از این زنان موفق در حوزه‌های تخصصی‌رسمی، کمتر استفاده می‌شود؟ گویی ساختار تشریفاتی و حداقلی معاونت زنان و مشاوران زن در دولت‌ها با کمترین بودجه و امکانات راه‌حلی شده است برای کنارگذاشتن زنان از نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و حیاتی کشور، حتی مدیریت حوزه‌های علمیه بانوان.

چرا در مقام مشاوران عالی قوا و نظام، مثل شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، زنان به‌عنوان محصول خلف و نیمی از کنشگران جمهوری اسلامی نقش‌آفرینی نمی‌کنند و در انتصابات از این زنان نخبه استفاده نمی‌شود؟ پس از گذشت ۴۰ سال، به‌تازگی یک زن، به‌عنوان رایزن فرهنگی منصوب می‌شود - که البته همین هم مایه امید است- اما با مرور منظومه شبکه‌های حمایتی از مادران این روند کند امید، مطلوب شما نیست. در عرصه تولید در هنر و رسانه، «دانش‌آموختگان زن و دختر جمعیت کثیری را به خواحت خدمات می‌دهند. نگاه زنانه برش‌ها و بزرینی‌های متفاوتی از نگاه مرداند در تولیدات وارد می‌کند اما فرصت کنشگری غالبا در اختیار تولیدکنندگان مرد است. بازنمایی زنان در تولیدات رسانه بایستی اصلاح شود و به دست خودشان رقم بخورد که این امر نیاز به بازشدن فضاهای فعالیت مدیریتی، سرمایه‌ای و تولیدی دارند. تصور داشتن یک مدیرشبکه تلویزیونی دولتی خانم که وظیفه طراحی و سیاستگزاری استراتژیک را داشته باشد بسیار دور است.

ما در عرصه محتوا در رسانه، با خلأ جدی متن‌های واقع‌گرا و موثر مواجه هستیم. با سر تعظیم فرود آوردن در برابر نظریات و فعالیت‌های فعالان زن در نسل گذشته، گویی بعضی نظریه‌های تخصصی حوزه زنان، به نام شخص یا گروهی خاص مسجل شده و امکان به‌روزرسانی وجود ندارد و مشکلات در حد طرح بحث در اندیشکده‌ها باقی مانده است. امروز اما در خط مقدم رسانه، گفتمان قدیمی زن تراز انقلاب اسلامی در برابر هجمه‌های موجود، نخ‌نما و کم‌اثر شده است. اهالی رسانه غالبا در انتخاب سوژه‌های زنان موفق و اثرگذار با نقد مواجه می‌شوند؛ چراکه جریان رسمی، غالبا در تریبون‌ها و همایش‌های دولتی از زنان نخبه، فرهیخته و دانشمند، تقدیر می‌کند. سوال اصلی اینجاست که معیارهای ما برای تصویر کردن و دیده شدن مادران، زنان انقلابی، زنان کنشگر، زنان تلاشگر ایران که الزاما بروز عینی ندارند، ولی مصداق الگوی سوم هستند، چیست؟ آنها که عفیفند، شریفند، خانواده‌پرایشان اولویت دارد و به‌نوبه خود اثرگذار و کنشگر در حفظ خانواده و اجتماع هستند اما دست‌شان خالی از مدارک و گواهینامه‌ها و رزومه‌هایی اعتباری است. آنها کی و کجادر جمهوری اسلامی باید دیده شوند؟ کدام عزیز عزم بر توجه به این جمع کثیر از زنان دارد؟ ما امروز باید با رجوع به گفتمان والای انقلاب اسلامی، بر موضوع مبرّت برتر زن در جمهوری اسلامی، بازنگری کنیم و به معیار برسیم. معیارهایی که در عین به‌رسمیت شناختن تنوع و تکثر سبک‌های زندگی زنان، تئوری کلاسیک هم‌شکل‌سازی و شبیه‌سازی را کنار بگذارد و اینجا دقیقا با اطلاق‌هایی رساند که هم راستا با محتوای موردقبل، به تولید محصول بپردازیم. در پایان، به‌عنوان کسی که سال‌ها مسئول فیلمسازی در حوزه زنان و خانواده هستم و به متن زندگی سوژه‌ها ورود پیدا کرده وظیفه خود می‌دانم از فرصت حضر در محضر حضرتعالی استفاده و به نمایندگی از این عزیزان برخی مسائل را مطرح کنم. - بعضی موانع حقوقی حوزه زنان، مثل حضانت فرزند، تحسین‌وتشویق این مرشدا، غلی‌رغم تاکیدات حضرتعالی، با وجود اصلاح قانون در چهارچوب فقه اسلامی در بروکراسی اداری کهویی به مساله لاینحل تبدیل شده‌است. گاهی یک اصلاح قانونی کوچک دلگرمی بزرگی برای زنان متعهد به انقلاب می‌تواند باشد. - مدعیان کار در حوزه زنان هست که احیاناً حتی مشکل بیمه زنان خانه‌دار عاجزند. امری که در ترسیم هویت و اهمیت جایگاه این گروه در اجتماع، تاثیر بسرایی دارد. در حوزه سیاستگزاری‌های فرهنگی، انبوهی از تکالیف برای زنان در نقش مادری و تربیت نسل، در نسبت با تکالیف مردان در نقش پدری، همچنین اهمیت تربیت دختران در مقابل کمبودهایی به تربیت پسران نامتوازن است و این مخاطراتی است برای پا دانش نسلی با دختران در جمهوری اسلامی. حال آنکه فهم درست از اصول تربیتی اسلام، توجه به جایگاه والای ولایت پذیر و لزوم اثرگذاری مستقیم والد بر فرزند، را شامل می‌شود. بعدی که هیچ‌گاه در سفارشات رسانه‌ای از سوی مدیران توجه نمی‌شود.

- درحوزه زنان، خصوصا مباحث جمعیتی، غالبا موضع تکلیف‌گرایی داریم تا حقوق‌گرایی.

سیاست‌های جمعیتی کمتر متمرکز بر نیازهای واقعی مادری و زنانه است و بیشتر در اقتصاد زدگی و طراحی مشوق‌های مالی موفق بوده‌اند.

باتغییر و تطور خانواده گسترده به هسته‌ای، ما خویشاوندان درجه یک، کمک‌دهندگان اصلی به مادران جوان را از دست داده‌ایم. سیاست مذکور اما با همان شیب انتظار فرنداَوری دارد. در این راستا کوچک‌ترین اقدامات متناسب با نیاز زنان می‌تواند تحولی بزرگ در جهاد فرنداَوری رقم بزند. اقدماتی از جنس راه‌اندازی بنیاد‌ها و شبکه‌های حمایتی از مادر باران نو در ده‌ها و هدایت این بانوان به خانه‌های کمک به مادران چندفرزند. همچنین الزام به تعبیه صرفا یک اتاق کودک در دانشکده‌ها، بیمارستان‌ها، محیط‌های کاری، برای امکان ادامه تحصیل و فعالیت مادران دانشجو، پزشک، اساتید ایده‌هایی است که به‌نظر می‌رسد باید الزامات طرح‌های جمعیتی باشد، افسوس که مورد غفلت است.

زنان امروز است برای حل مسائل و مشکلات قشری از جمعیت، با عنوان بانوان مجرد، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و توجه جدی صورت گیرد، آنها که با شرایط‌شان برای ازدواج حیاتی نبوده یا همسر خود را از دست داده‌اند، و غالبا هدف سیاست‌های حوزه زنان نیستند.

- به نوجوان دختر به‌عنوان هویت مستقل از زنان آینده، آنچنان که ضرورت دارد توجه نمی‌شود و مسائل آنها مورد مداقه قرار نمی‌گیرد.

حضرت‌آقا!

امر فرمودید زنان برای حل مسائل زنان خود به میدان بیایند؛ ما در روزها و ماه‌های اخیر، درگیر صحنه جنگ و نبرد جدید با ربات‌های انسان‌نمای غربی با پرچم زنان هستیم. قطع بودن اتصال ما با فرماندهی، صحنه نبرد را برایمان سخت‌تر کرده. ما نیازمندیم قرارگاهی رسانه‌ای تشکیل شود تا اتصال ما را به فرمانده وصل و فرمان فرمانده در حوزه زنان به درستی تبیین شود تا خدای نکرده در مسیر آتش به اختیارمان، هزینه‌برای زنان نظام نکنیم.

ما در عرصه هنر تمام‌قد ایستاده‌ایم.

ما آماده‌ایم.

تنها خواسته‌ام در این روزهای سخت، دعا در یکی از قنوت‌های نمازتان برایمان است. است برای اینکه این نوجوان دختر از حضور راحت الگویابی کند؟

ما جای درستی ایستاده‌ایم؟

ما تسهیل‌کننده مسیر نوجوانی برای زنان آینده این سرزمین هستیم؟

ما برای این جامعه دست داری کرده‌ایم؟

توهم اعتلای زن غربی در سایه برابری جنسیتی بزرگ‌ترین ظلم به زن است

مریم نقاشان
دکتری حقوق روستوک آلمان

قصد دارم تجربه عینی خود را به‌عنوان کسی که در بلوک در نظام قضایی اروپا پذیرفته شده، بیان کنم و از واقعیت‌های فاره سبز بگویم. در مقام یک وکیل دادگستری رسالتم تبیین حق و دفاع از مظلوم است، حال هرجا که باشم؛ چه در وطن و چه در سفر، اگر ببینم چهره حقیقت را غبارگرفته باید آن را بزدایم و دروغ را افشا کنم. وقتی دیدم که چه درباره کشورم و چه درخصوص دنیای غرب حقیقت مخدوش شده است، جهاد تبیین بر من تکلیف شد. در غرب کشورم آن گونه که هست نمی‌شناسند، چون هجمه‌ای از سیاه‌نمایی چه در داخل و چه در خارج، از آغاز شکوفایی انقلاب اسلامی متوجه میهنم بوده است. انقلابی که ژرف‌تر از یک نظام سیاسی است، انقلابی که مربوط به یک جهان‌بینی است!

وقتی تا به جهانیان به عمل بکنم، بانوان ایران اسلامی توانمند، فرهیخته و صاحب‌نظر و کارآمدند؛ از آن هم به لطف آموزه‌های مکتب تشیع که زن را والامقام می‌خواهد که سرآمد این مکتب، بانویی است که تمام مقامات انسان کامل را یکجا دارا. عالمه غیرمعلمه‌ای که زهرای اط